



Analysis of urban neighborhoods according to the neo-urbanism principle using the TOPSIS (Case study: Rasht metropolis)

Behnam Rahimi¹, Mohammad Taqi Masoumi^{2*} and Hossein Nazmfar³

¹ PhD student of geography and urban planning, Ardabil branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

² Assistant Professor of Geography Department, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

³ Professor of Geography Department, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

* Corresponding Author, masoumi@iauardabil.ac.ir

Receive Date: 02 March 2021

Accept Date: 18 May 2021

ABSTRACT

Introduction: One of the main issues in today's cities is the decline of environmental quality in urban neighborhoods. In response to this issue, the neo-urbanism movement was raised to study in countries and shed light on urban planning.

Objectives: The main purpose of this study is to identify the indicators of the urbanism movement at the level of urban neighborhoods and to investigate the situation of neighborhoods in Rasht based on these indicators.

Methodology: The method of this research is descriptive-analytical. First, the study extracted indicators and items based on the studies of theoretical foundations and research background on urbanism. Questionnaires and GIS maps were used to collect information. The TOPSIS model was used to analyze and rank the neighborhoods.

Geographical Context: The neighborhoods of Rasht metropolis were the study area.

Results and Discussion: Based on the average scores obtained for the five districts of Rasht, District Two, which actually includes the historical context of Rasht, is more in line with the principles of neo-urbanism with an average score of 0.466. District Three was ranked second with an average score of 0.345. This district is in the eastern part of Rasht. Finally, regions four, one and Five were ranked third to fifth, respectively. The final average score for the city of Rasht was estimated to be 0.342.

Conclusion: Since the points of the TOPSIS model are between zero and 1, in general, the neighborhoods of Rasht have relatively low compliance with neo-urbanism principles. Therefore, the paper makes suggestions such as preventing the increase in building density in the historical context, strengthening public transportation, maintaining and strengthening public and green open spaces, increasing the optimal building density in new constructions, increasing the quality of sidewalks and increasing the safety and security of pedestrians.

KEYWORDS: New urban development, Tapsis, MCDM, Shahr Rasht neighborhoods.

واکاوی مبتنی بر اصول نوشهرسازی در محلات شهری با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی براساس تشابه به حل ایده‌آل (مطالعه موردی: کلانشهر رشت)

بهنام رحیمی^۱، محمد تقی معصومی^{۲*} و حسین نظم‌فر^۳

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. استادیار گروه جغرافیا، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۳. استاد گروه جغرافیا، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

* نویسنده مسئول، Email: masoumi@iauardabil.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: یکی از مسائل اصلی در شهرهای امروز، افول کیفیت محیطی در محله‌های شهری است. در پاسخ به این مسئله در سال ۱۹۸۰، جنبش نوشهرگرایی مطرح شد. این جنبش بسیار سریع در بسیاری از کشورها مورد بررسی و در برنامه‌ریزی شهری، مورد استفاده قرار گرفت. **هدف:** هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی میزان انطباق محله‌های شهر رشت با اصول نوشهرگرایی بود. **روش شناسی:** در این زمینه ۱۵ شاخص انتخاب شد. برای گردآوری اطلاعات نیز از نقشه کاربری زمین و همچنین تکنیک پرسشنامه استفاده شد. تحلیل اطلاعات نیز با استفاده از مدل تاپسیس انجام شد. **قلمرو جغرافیایی پژوهش:** محلات شهری کلانشهر رشت می‌باشد.

یافته‌ها و بحث: منطقه شماره ۲ که در واقع بافت تاریخی و محله‌های درونی شهر رشت را شامل می‌شوند با نمره میانگین ۰/۴۶۶ نسبت به سایر مناطق از انطباق بیشتری با اصول نوشهرگرایی برخوردار هستند. منطقه سه و در واقع مناطق دربرگیرنده نواحی و محلات شرقی شهر رشت، با نمره میانگین ۰/۳۴۵ در رتبه دوم قرار گرفت. نهایتاً مناطق چهار، یک و پنج به ترتیب در رتبه‌های سوم تا پنجم قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری: نمره میانگین نهایی برای شهر رشت نیز برابر با ۰/۳۴۲ برآورد شد. از آنجا که امتیازات مدل تاپسیس بین صفر تا ۱ است، می‌توان گفت به طور کلی محلات شهر رشت از انطباق بسیار پایینی با اصول نوشهرگرایی دارند. در پایان پژوهش نیز پیشنهاداتی همچون جلوگیری از افزایش تراکم ساختمانی در محدوده ساختمان‌های با ارزش و تاریخی، تقویت حمل و نقل عمومی، حفظ و تقویت فضاهای باز عمومی و سبز، افزایش تراکم ساختمانی بهینه در ساخت و سازهای نوین، افزایش کیفیت پیاده‌روها و افزایش ایمنی و امنیت عابران پیاده برای بهبود وضعیت محله‌های شهر رشت براساس اصول نوشهرگرایی ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: نوشهرسازی، محلات شهری، رشت.

مقدمه

در اولین دهه قرن بیستم، روند سکونت انسان‌ها در روستاها و شهرها شروع به تغییر یافتن نموده و در حال حاضر هر هفته حدود یک میلیون نفر به جمعیت شهری جهان افزوده می‌شود (معصومی، ۱۳۹۰: ۹۰). شهرها امروزه محل سکونت بیش از نیمی از جمعیت جهان شده است و انتظار می‌رود در ۳۰ سال آینده بیش از ۲ میلیارد نفر به جمعیت موجود مناطق شهری جهان افزوده شود (Cohen, 2006: 63). در این باره می‌توان گفت در ابتدای قرن بیستم تنها ۱۶ شهر با جمعیت بالای یک میلیون نفر وجود داشت. اما امروزه در ابتدای قرن بیست و یکم بیش از ۴۰۰ شهر با جمعیت بیش از یک میلیون وجود دارد و حدود سه چهارم از این شهرها در ممالک در حال توسعه رشد کرده‌اند (Cohen, 2003: 24). بنابراین رشد بی‌رویه شهری و کاهش کیفیت زندگی و محیط‌های شهری، امروزه به یک مسئله اصلی در جهان تبدیل شده است (Azadeh et al., 2019: 285). در واقع مطالعات صورت گرفته در زمینه آسیب‌شناسی فرایندهای رشد و گسترش کلانشهرها، همه در افول وجوه کیفی محیط‌های سکونت و زیست به عنوان محصول بلافصل این نوع از توسعه شتابان و مهارناپذیر اتفاق نظر دارند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۴). بر این اساس در جامعه امروز نیاز بشر به هم‌زیستی در سطح بالایی احساس می‌گردد که این هم‌زیستی در قالب شهرها تحقق می‌یابد (شکری فیروزجاه، ۱۳۹۳: ۶۸). با گسترش شهرنشینی و افزایش ساخت و سازها، دو نکته متقابل روشن می‌شود: از یک طرف، گسترش بی‌رویه و سرعت در ساخت و سازها و از طرف دیگر رشد سریع شهرنشینی که باعث پایین آمدن جنبه‌های کیفی در زندگی انسان گردیده است (درودی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۶). از سوی دیگر روند مذکور به رضایت نداشتن شهروندان منجر شده است. پیرو تحولات بافت‌های شهری در دوران معاصر و جایگزین شدن بافت‌های شهری جدید به جای محیط‌های شهری قدیمی، نقش و جایگاه محیط‌ها و محله‌های شهری از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار شده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۲). لذا در دهه‌های اخیر موضوع «کیفیت محیط شهری» به یک بحث تخصصی و عمومی در جامعه تبدیل شده است (طبی‌مسرور و رضایی موید، ۱۳۹۴: ۶۲). مسائلی که به آن اشاره گردید باعث شده است تا بسیاری از محله‌های شهری معاصر با ویژگی‌های جسمی و روانی ساکنان خود سازگاری کافی نداشته باشند. محدودیت سرانه فضاهای سبز و باز و دیگر فضاهای عمومی، محدودیت کمی و کیفی خانه‌های مسکونی، کیفیت پایین محیط شهری، آلودگی هوا و مدیریت نامناسب، ضایعات شهری، آلودگی صوتی و دیگر مشکلات محیطی عوامل تهدید سلامت انسان شهری امروزی را تشکیل می‌دهند (شیعه و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). در جهان امروز محلات شهری بخش مهمی از زندگی روزمره هر انسان شهرنشین را تشکیل می‌دهند. مطالعاتی که در نیم قرن گذشته پیرامون ویژگی‌های محله انجام گرفته است به خوبی تاثیر این عنصر شهری در بهبود کیفیت زندگی ساکنان آن را نشان می‌دهد. در واقع محله پدیده‌ای است کالبدی که در گذر زمان معنا می‌پذیرد و رفته رفته به یک اجتماع محلی ارتقا می‌یابد. در بستر این پدیده کالبدی اجتماعی است که ساکنان فعالیت‌های روزمره خود را انجام می‌دهند، روابط دوستانه و تعاملات اجتماعی آنان با دیگر همسایگان مستحکم می‌شود، حس امنیت و تعلق خاطر در آن‌ها پرورش یافته و در نتیجه، محله را مکان مطلوبی برای گذران اوقات خود خواهند یافت (Hipp, 2009: 395). با توجه به این مسئله که گسترش شهرنشینی باعث نزول کیفیت محله‌های شهری شد، در ابتدای قرن بیستم جنبش نوشهرگرایی با رویکرد ساماندهی محلات شهری مطرح گردید (kim and Larsen, 2017: 384). در واقع از دهه ۸۰ میلادی، تعداد بسیاری از شهرسازان آمریکایی در ارتباط با فرسودگی و زوال مرکز شهری و گسترش افقی حومه‌ای شهرها که پراکنده، متفرق و مبتنی بر تردد اتومبیل و دارای فاصله با مراکز شهری بودند، نظریه‌هایی را ارائه داده‌اند در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، تکامل این نظریه‌ها منجر به ظهور نهضت نوشهرگرایی مبتنی بر شهرسازی انسان‌گرا شد (رهنما و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸).

با مطرح شدن محله به عنوان «سلول زندگی شهری» تحقق توسعه پایدار نیز تنها در قالب توسعه محله‌ای و در مقیاس محلی دنبال شد. با قرار گرفتن دو نظریه توسعه پایدار و مکتب محیط‌گرایان فرهنگی، دیدگاهی با عنوان توسعه محله‌ای پایدار تبیین گردید. که تنها بازآفرینی فرهنگ شهروندی و توجه به محلات به عنوان بستر زندگی

اجتماعی ساکنان، به توسعه پایدار محلی می‌انجامد (معصومی، ۱۳۹۰: ۶۱). توسعه محله‌های شهری در چهارچوب نظریه شهر پایدار از اوایل قرن بیستم با مطرح شدن جنبش شهرسازی مورد تأکید قرار گرفته است. به بیان دیگر آنکه در راستای توسعه پایدار محله‌های شهری، یکی از نظریات مطرح، جنبش نوشهرگرایی و یا اصول ارائه شده در شهرسازی نوین است (Xu, 2017: 813). هدف اصلی این جنبش حمایت از معیارها و اصول کیفی طراحی شهرهای کوچک ایالات متحده آمریکا برای مقابله با پراکنده‌رویی شهرها بود. این معیارها و ویژگی‌ها شامل شبکه‌ای به هم پیوسته از خیابان‌ها، مسیرهای پیاده‌رو، کاربری‌های مختلط و... را شامل می‌شود (Falconer et al., 2010: 287). یکی از جنبه‌های اصلی در نوشهرگرایی، بازگشت به گذشته و احیاء اصول شهرسازی سنتی در محله‌های شهری است (Łucka, 2018: 19). از سوی دیگر، جنبش شهرسازی نوین به دنبال ایجاد تناسب میان محلات قدیمی با زندگی مدرن و معاصر است. در واقع این جنبش تلاش می‌کند تضادهای میان محلات قدیمی و زندگی مدرن امروزی را کاهش دهد (Cysek-Pawlak & Krzysztofik, 2018: 100). شهرسازی نوین معتقد است با اعمال روش‌های جدید می‌توان حجم ترافیک شهری را کم کرده و از نابسامانی آن جلوگیری کرد. واحد همسایگی جدید تعریف شده در این نظریه معرف اصلی نظریه می‌باشد. واحد همسایگی که بر اساس دسترسی‌های عابر پیاده و شامل سلسله مراتبی از محیط‌های مسکونی، فضاهای عمومی و محل‌های کار و تفریح می‌باشد. برخلاف حومه‌های گذشته که صرفاً دارای عملکرد خوابگاهی بودند (Park et al., 2016: 437). هر واحد همسایگی باید پاسخگوی نیازهای انسان باشد. خانه دیگر صرفاً محلی برای خوابیدن نیست. بلکه خانه جدید در واحد همسایگی جدید باید محل زندگی و پاسخگویی به نیازهای انسان باشد. در واقع نوشهرسازی تفکری در جهت تغییر در روش‌ها و الگوهای مکان‌یابی، برنامه‌ریزی و طراحی شهری می‌باشد که الگوها و روش‌های جدید خود را برای توسعه شهر و مداخله در آن در تمامی سطوح معرفی می‌کند (Talen, 2002: 166). نوشهرسازی، معروف به طراحی محلات سنتی و طراحی محلات نئو سنتی، اصول برنامه‌ریزی است که محلات قابل زیست و قابل پیاده‌روی در یک محیط مساعد پیاده‌روی را به وجود می‌آورد. در واقع، نوشهرسازی واکنشی نسبت به پراکندگی شهری است و یک راه موثر برای مقابله با جوامع خودرو محور است. پیروان این جنبش، آن را به مثابه یک بسته طراحی شهری می‌دانند و بر این باورند که می‌باید با بهره‌گیری از اصول طراحی محلات سنتی، فضاهای شهری جدیدی را به صورتی کارا، پایدار و انسان‌گرا طراحی نمود (Hikichi, 2003). براساس اصول کنگره نوشهرگرایی محلات باید در کاربری و جمعیت، متنوع و مختلط باشند، محلات باید برای گذر عابر پیاده نیز همچون ماشین طراحی شود. محلات می‌بایست از لحاظ فیزیکی معین و به طور عام، مقبول و نیز دارای فضاهای عمومی و مؤسسات و نهادهای اجتماعی باشند. فضاهای شهری می‌بایست با طراحی معماری و منظری که برای تاریخ محلی بافت، اقلیم، اکولوژی و ساختمان سازی با کیفیت ارزش قائل است، چارچوب‌بندی شوند (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۳). از دید نوشهرسازان محله بهتر است فشرده، حامی افراد پیاده و دارای کاربری مختلط باشد (بصیرت، ۱۳۸۶: ۱۱۴). در مجموع می‌توان اصول طراحی محلات از دیدگاه نوشهرگرایی را بر عناصر ساختاری چهارگانه زیر استوار دانست (حسین‌زاده‌دلیر و آذر، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۲۶).

خیابان‌های به هم پیوسته: حمل و نقل یکی از بحث‌انگیزترین مؤلفه‌ها در توسعه جوامع محلی است. کاربری‌های مختلط و درهم آمیخته: در طراحی محلات جدید، ترکیب عناصر و عملکردهای شهری به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شوند که شخص بدون آن که به ذهنش خطور کند سوار ماشین شود، به مقصد خود رسیده باشد. نوشهرسازی محله مناسب را محله‌ای می‌داند که بتواند بین اشتغال، سکونت و خدمات شهری تعادل برقرار کند. افزایش تراکم و رشد هوشمند: در ادبیات قبل از نوشهرسازی، به دلیل رواج استفاده از اتومبیل شخصی، شهرها به صورت پراکنده رشد می‌کردند. نوشهرسازی با پیشنهاد تراکم بالا، از تخریب گسترده محیط زیست جلوگیری می‌کند. پیاده روی: در الگوهای نوشهرسازی، از طریق جلوگیری از رشد پراکنده محلات شهری، نزدیکی به محل اشتغال و سکونت «بیشینه فاصله ۱۰ دقیقه پیاده‌روی» طراحی اصولی تجهیزات و مبلمان شهری در کنار پیاده‌روها به خصوص نیمکت، چراغ‌های روشنایی، سایه اندازی و... پیاده‌روی را برای ساکنان امکان پذیر ساخته است.

در رابطه با موضوع تحقیق حاضر و بررسی نقش کیفیت محله‌های شهری در انطباق با اصول نوشهرگرایی، تاکنون پژوهش‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. در ادامه و در جدول شماره ۱، به طور خلاصه نتایج برخی از پژوهش‌ها ارائه شده است.

جدول ۱

خلاصه نتایج پژوهش‌های پیشین

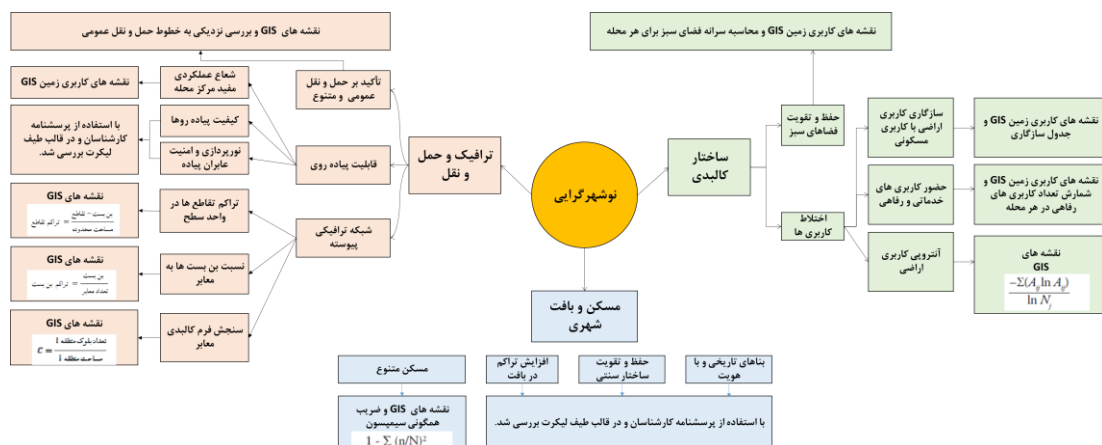
ردیف	نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	نتایج
۱	پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۳	مطالعه و ارزیابی بافت‌های مختلف شهری با رویکرد منشور نوشهرگرایی (نمونه موردی: شهر تبریز)	وجود بافت‌های فرسوده و حاشیه‌ای شهر و نفوذ تفکرات سنتی و مدرنیستی و تقلیدهای کلیشه‌ای در تهیه طرح‌های توسعه شهری و ایجاد بافت‌های جدید شهری باعث ایجاد مشکلات عدیده در شهر تبریز شده است که این مشکلات را نیز می‌توان از مسائل و مشکلات مدنظر این پژوهش بیان کرد. در این تحقیق با استفاده از مطالعات تطبیقی بافت‌های مختلف شهری از نظر میزان انطباق با اصول منشور نوشهرگرایی بررسی شد که نتایج حاکی از انطباق حداکثری بافت‌های طراحی شده (محله زعفرانیه) با اصول منشور نوشهرگرایی است.
۲	محمدی دوست و همکاران، ۱۳۹۵	امکان سنجی بکارگیری اصول نوشهرگرایی در بازآفرینی پایدار محلات ناکارآمد و مسأله دار شهری با تأکید بر رشد هوشمند (مورد پژوهی: بخش مرکزی شهراواز)	یافته‌ها نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های نوشهرگرایی تقویت فضای سبز عمومی، ساماندهی دسترسی‌ها، تنوع مسکن، تنوع معماری و زیبایی شناسی دارای بیشترین اهمیت هستند. همچنین نتایج حاصل از اجرای مدل سلسله مراتبی AHP نشان داد که در بین سه شاخص هویت، کیفیت کالبدی و ساماندهی دسترسی‌ها، شاخص ساماندهی دسترسی‌ها اهمیت بیشتری نسبت به دو شاخص دیگر، از نگاه کارشناسان برخوردار می‌باشد.
۳	قربی و محمدی، ۱۳۹۶	کاربست نظریه نوشهرگرایی در شهرسازی: موافقان و مخالفان	اگرچه نوشهرگرایان خواستار تغییر وضعیت پیرامون خود بودند و تصور شهرهایی بدون حومه را در سر داشتند، اما در عمل هنوز نتوانسته‌اند اصول ارزشی‌ای را که این نظریه هنجاری بر آن پایبند بود به‌گونه‌ای مناسب در ساخت جوامع خوب به کاربندند و منتقدان آن‌ها می‌گویند نوشهرگراها به‌جای نجات شهرها، درنهایت در خدمت منافع فرآیند توسعه درآمدند و انتخاب‌هایی که فرم‌های نوشهری پیشنهاد می‌کنند بیش از آن‌که مرتبط با خواست مردم باشند، به فکر تولید و پایداری فعالیت‌های اقتصادی در بازار فروش هستند.
۴	صفوی و همکاران، ۱۳۹۷	کاربست اصول نوشهرگرایی مطابق با شناسه‌های شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: محله مسکونی و قدیمی رباطکریم (رباط کهنه))	در این تحقیق، شناسه‌های سنتی شهر ایرانی-اسلامی از نظر محتوایی با اصول نوشهرگرایی مقایسه و تطبیق داده شد. نتیجه اینکه ایده‌های شهرسازی ایرانی-اسلامی فرای کالبد و زمان است و انگاره‌های نوین شهرسازی امروز را به خوبی در بر می‌گیرد. محله‌های شهرهای تاریخی ایران در گذشته براساس اصول و قواعدی شکل گرفته اند که امروزه در شعارهای یکی از مطرح‌ترین نهضت‌های طراحی شهری در جهان یعنی نوشهرگرایی مشاهده میشوند؛ بنابراین میتوان از این اصول برای طراحی محله‌های جدید و احیای محله‌های قدیمی ایران استفاده کرد.
۵	باغبان و کرکه‌آبادی، ۱۳۹۸	نوشهرگرایی و راهکارهای بهبود ظرفیت‌های عملکردی و سکونتی بافت‌های فرسوده شهری، مطالعه موردی بافت فرسوده شهر سمنان	رویکرد نوشهرگرایی بر ارزش‌های سنتی شهرها تکیه دارد. اصولش بر بازگشت به ساختار سنتی محلات تأکید می‌کند و به نظر می‌رسد قادر است با توجه به ظرفیت‌های نوین اجتماعی، راهکارهای مؤثری را در راستای احیای بافت‌های کهن و رو به افول شهری ارائه دهد. در این راستا این مقاله تلاش دارد با استفاده از رویکرد نوشهرگرایی و تأکید بر حفظ و احیای ارزش‌های محله‌محوری، ارتقای عملکرد و افزایش کارایی محله را دنبال نماید.
۶	Deitrick & Ellis, 2004	کاربرد جنبش نوشهرگرایی در ساماندهی محلات داخلی شهر، مطالعه موردی: پیتسبرگ	نویسندگان در این پژوهش، تجربیات نوشهرگرایان را در بازآفرینی محلات قدیمی شهر پیتسبرگ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که دو شاخص ایجاد مسکن متنوع و قابلیت پیاده روی، نسبت به سایر شاخص‌های نوشهرگرایی در این شهر اهمیت بیشتری در احیاء محلات قدیمی دارند.
۷	Elshater, 2012	کاربرد اصول شهرسازی نوین در مقابل ابعاد طراحی شهری در بین محله‌های شهر مصر	الشاطر در پژوهش خود با بهره‌گیری از یک روش ترکیبی، سعی کرد تا ارتباط بین مسائل موجود در محله‌های شهری و اصول شهرسازی نوین را بررسی کند. نتایج پژوهش مذکور نشان داد که نوشهرسازی در کاهش مسائل مربوط به حومه نشینی و پراکنده رویی شهری، افزای کیفیت مسکن، بهبود حمل و نقل و جابجایی در شهرها تأثیرگذاری بالایی دارد.

ردیف	نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	نتایج
۸	Elshater, 2018	به سوی تحول در مفهوم شهرسازی نوین با مطالعه موردی مصر	جنبش شهرسازی نوین در پاسخ به مسائل و مشکلات شهری ارائه شد. امروزه با بروز مسائل جدید و گستردگی ابعاد شهرنشینی، باید در اصول شهرسازی نوین تجدید کرد و اصول بومی را برای هر منطقه تهیه کرد.

با توجه به افزایش جمعیت شهررشت، کاهش کیفیت محیط در محله‌های شهری از جمله مسائل اساسی پیش‌روی برنامه‌ریزان شهری است و می‌توان به مسائلی همچون آلودگی‌های زیست‌محیطی (آلودگی آب و هوا)، دسترسی‌ها (دسترسی به فضاهای سبز، تجاری، آموزشی، بهداشتی و درمانی و ایستگاه‌های حمل و نقل) ایمنی و آسایش (آلودگی‌های صوتی ناشی از ترافیک، وجود جرم و سابقه جرم در محله‌ها) و فقدان هویت محله‌ای اشاره کرد. در پی این امر توجه به مفهوم کیفیت و ارتقای آن در محله‌های شهر رشت ضرورت دارد. در این راستا هدف اصلی از انجام این پژوهش شناسایی شاخص‌ها جنبش نوشهرگرایی در سطح محله‌های شهری و بررسی و تطبیق وضعیت محلات شهر رشت براساس شاخص‌های نوشهرگرایی است.

روش شناسی

روش انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. ابتدا براساس مطالعات مبانی نظری و پیشینه تحقیق شاخص‌ها و زیر شاخص‌های مرتبط با اصول نوشهرگرایی در سطح محله‌های شهری استخراج شد. در این زمینه سه معیار اصلی شامل ساختار کالبدی، مسکن و حمل و نقل انتخاب گردید. در بخش ساختار کالبدی چهار شاخص مسکن متنوع، تراکم بافت شهری، حفظ و تقویت ساختار سنتی و بناهای تاریخی و با هویت بررسی شد. در بخش ساختار کالبدی شاخص اختلاط کاربری‌ها با سه زیر شاخص سازگاری کاربری‌ها با کاربری مسکونی، حضور کاربری‌های خدماتی و رفاهی، آنتروپی کاربری‌ها و همچنین شاخص حفظ و تقویت فضاهای سبز مورد بررسی قرار گرفت. در بخش حمل و نقل برای شاخص شبکه ترافیکی پیوسته سه زیر شاخص شامل تراکم تقاطع‌ها در واحد سطح، نسبت بن بست‌ها به معابر و سنجش فرم کالبدی معابر انتخاب و بررسی گردید. همچنین شاخص قابلیت پیاده‌روی از طریق بررسی سه زیر شاخص شعاع عملکردی مفید مرکز محله، کیفیت پیاده‌روها، نورپردازی و امنیت عابران پیاده و تراکم تقاطع‌ها در واحد سطح بررسی شد. همچنین شاخص قابلیت پیاده‌روی از طریق بررسی سه زیر شاخص شعاع عملکردی مفید مرکز محله، کیفیت پیاده‌روها و نورپردازی و امنیت عابران پیاده مطالعه شد. سومین شاخص حمل و نقل نیز تأکید بر حمل و نقل عمومی و متنوع در محله‌های شهری بود. شکل ۱، شاخص‌های پژوهش و روش بررسی هر شاخص را نشان می‌دهد.



شکل ۱. معیارها، شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مورد مطالعه در پژوهش

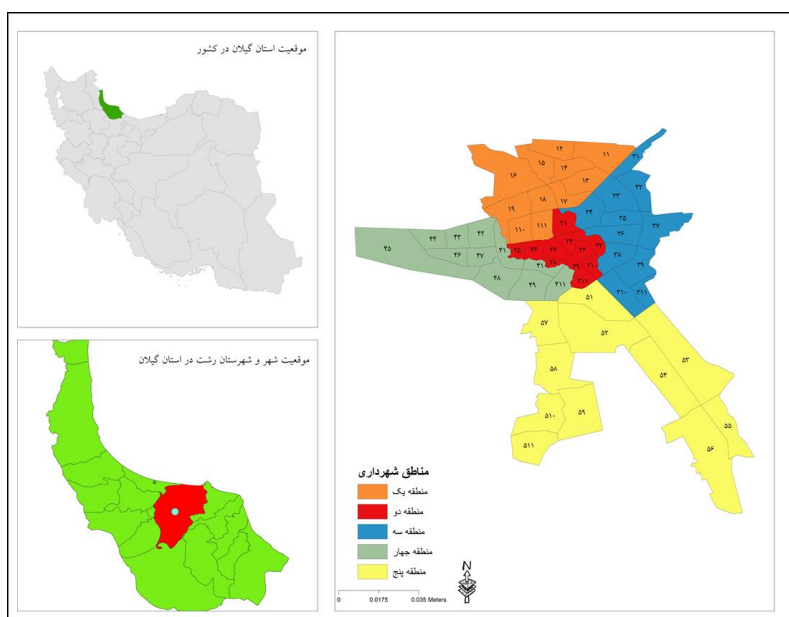
برای گردآوری اطلاعات نیز از تکنیک پرسشنامه و نقشه‌های GIS استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل و رتبه‌بندی محلات نیز از مدل تاپسیس استفاده گردید. مراحل انجام مدل تاپسیس به شرح زیر است:

جدول ۲
مراحل انجام مدل تاپسیس

شماره رابطه	رابطه	مراحل انجام مدل تاپسیس
۱	$A_{ij} = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & \dots & a_{1n} \\ a_{21} & a_{22} & \dots & a_{2n} \\ \cdot & & & \cdot \\ \cdot & & & \cdot \\ \cdot & & & \cdot \\ a_{m1} & a_{m2} & \dots & a_{mn} \end{bmatrix}$	مرحله اول: تشکیل ماتریس داده‌ها بر اساس m گزینه و n شاخص
۲	$r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^m a_{kj}^2}}$	مرحله دوم: استاندارد نمودن داده‌ها و تشکیل ماتریس استاندارد
۳	$V_{ij} = \begin{bmatrix} w_1 r_{11} & w_2 r_{12} & \dots & w_n r_{1n} \\ w_1 r_{21} & w_2 r_{22} & \dots & w_n r_{2n} \\ \cdot & & & \cdot \\ \cdot & & & \cdot \\ \cdot & & & \cdot \\ w_1 r_{m1} & w_2 r_{m2} & \dots & w_n r_{nm} \end{bmatrix}$	مرحله سوم: وزن دهی شاخص‌ها و تشکیل ماتریس استاندارد وزین
۴	$A^* = \left\{ (\max_i v_{ij} j \in J), (\min_i v_{ij} j \in J') \right\}$ $A^* = \{v_1^*, v_2^*, \dots, v_n^*\}$	مرحله چهارم: تعیین بیشترین مقدار برای هر شاخص
۵	$A^- = \left\{ (\min_i v_{ij} j \in J), (\max_i v_{ij} j \in J') \right\}$ $A^- = \{v_1^-, v_2^-, \dots, v_n^-\}$	مرحله پنجم: تعیین کمترین مقدار برای هر شاخص
۶	$S_i^* = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^*)^2}$	مرحله ششم: تعیین معیار فاصله‌ای برای آلترناتیو‌ها براساس بیشترین مقدار
۷	$S_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2}$	مرحله هفتم: تعیین معیار فاصله‌ای برای آلترناتیو‌ها براساس کمترین مقدار
۸	$C_i^* = \frac{S_i^-}{S_i^- + S_i^*}$	مرحله هشتم: محاسبه امتیاز نهایی آلترناتیوها

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر رشت مرکز شهرستان رشت و استان گیلان است که خود در بخش مرکزی شهرستان واقع شده است (شکل ۲) و در ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه عرض شمالی و با مساحت حدود ۱۳۶ کیلومتر مربع واقع شده است. این شهر از شمال به دهستان‌های حومه و بخش خمام، از شرق به بخش‌های سنگر و کوچصفهان و از غرب به شهرستان‌های شفت و صومعه سرا، و از جنوب به شهرستان رودبار و دهستان‌های لاکان محدود می‌شود. براساس آخرین تقسیمات سیاسی، این شهر دارای پنج منطقه، ۲۷ ناحیه و ۵۵ محله است.



شکل ۲. نقشه موقعیت محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

در یافته‌های گام اول پژوهش وضعیت محله‌های شهر رشت براساس انطباق با شاخص‌های نوشهرگرایی با استفاده از مطالعات میدانی، تکمیل پرسشنامه و اطلاعات مستخرج از نرم‌افزار GIS بررسی شد. ابتدا در خصوص معیار حمل و نقل، هفت زیرشاخص بررسی شد. در رابطه با زیرشاخص تراکم تقاطع در واحد سطح (X1) که به معنای شبکه ترافیکی پیوسته است، نتایج نشان داد که محلات درونی شهر همچون محله چله خانه در منطقه دو و محلات جنوبی منطقه چهار از وضعیت مطلوبی در این زمینه برخوردار هستند. نسبت بن بست‌ها به معابر (X2) نیز نشان‌دهنده شبکه ترافیکی پیوسته است. در این باره نتایج نشان داد که بافت‌های درونی و محله‌های تاریخی شهر رض وضعیت مطلوبی ندارند. اما محلات تازه توسعه یافته شهر همچون گلزار از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار هستند. در زمینه شاخص شبکه ترافیکی پیوسته، زیرشاخص سنجش فرم کالبدی معابر (X3) نیز بررسی شد. نتایج نشان داد بسیاری از محله‌های شهر رشت از حیث شاخص مذکور در وضعیت نسبتاً مطلوب قرار دارند. محلات منطقه پنج شهرداری رشت، نسبت به سایر محلات در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. اولین زیرمعیار در خصوص قابلیت پیاده‌روی، شعاع عملکردی مفید مراکز خرید محله ای (X4) بود. در این باره نتایج نشان داد که محلات درونی شهر و مناطق تاریخی شهر در وضعیت بسیار مطلوب قرار دارند. همچنین محلات شرقی، غربی و شمالی عمدتاً در وضعیت مطلوب قرار داشتند. محلات جنوبی شهر در وضعیت مطلوبی قرار نداشتند.

جدول ۳

بررسی وضعیت محلات شهر رشت براساس شاخص‌های حمل و نقل نوشهرگرایی

محله	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7
N11	۰/۲۱۲	۴/۰۶۵	۰/۲۷	۴۷/۴۱	۳/۷۶	۳/۶۱	۰/۹۸
N12	۰/۰۷۵	۲/۷۷۸	۰/۲۳۴	۴۳/۹۲	۴/۵۵	۲/۳۶	۰/۸۴
N13	۱/۲۱۵	۴/۶۹۵	۱/۵۱۳	۹۶/۱	۴/۴۱	۳/۲۹	۱/۶۶
N14	۰/۹۹۲	۳/۵۷۱	۱/۲۹۶	۷۱/۶۸	۴/۶۶	۴/۴۶	۱/۷۱
N15	۰/۵۶۵	۲/۸۵۷	۰/۶۳۴	۸۹/۱۱	۴/۷۱	۴/۸۸	۱/۵۶
N16	۰/۰۴۳	۲/۱۱	۰/۱۲۸	۱۷/۴۵	۴/۳۲	۲/۲۷	۱/۴۴
N17	۱/۰۰۴	۳/۴۳۶	۱/۱۶۲	۱۰۰	۴/۴۹	۴/۴	۲/۲۶
N18	۱/۴۵۸	۳/۰۳	۱/۶۶۵	۹۲/۶۳	۴/۶۱	۴/۳۷	۲/۲۳
N19	۱/۶۸۸	۲/۰۱۶	۰/۹۸۵	۹۲/۰۴	۴/۸۶	۴/۶۵	۲/۴۱
N110	۱/۳۸۵	۳/۴۴۸	۱/۲۲۷	۹۹/۹۸	۰/۸۹	۴/۹۶	۴/۵۱
N111	۱/۹۶۹	۳/۴۴۸	۱/۳۸۱	۹۶/۷۲	۰/۷۶	۱/۴۶	۴/۷۱
N21	۱/۱۹۸	۱/۸۴۸	۱/۵۲۷	۱۰۰	۰/۱۹	۲/۲۶	۴/۴۴
N22	۰/۶۱۹	۱/۶۹۲	۰/۷۲۲	۱۰۰	۰/۸۶	۲/۵۴	۴/۲۷
N23	۰/۸۸۷	۲/۶۳۲	۰/۶۳۴	۱۰۰	۱/۷۷	۲/۷۱	۴/۱۸
N24	۵/۶۸۸	۱/۷۴۵	۳/۵۷۳	۱۰۰	۱/۹۱	۲/۶۸	۴/۲۵
N25	۱/۶۳۵	۱/۶۳۱	۱/۰۹	۱۰۰	۱/۸۴	۲/۵۳	۴/۵۷
N26	۱/۷۸۱	۱/۵۸۲	۱/۲۹۴	۱۰۰	۰/۷۷	۲/۳۳	۴/۸۱
N27	۸/۴۴۲	۱/۵۱۳	۵/۲۸۹	۱۰۰	۰/۹۶	۱/۵۶	۴/۶۵
N28	۰/۸۴۶	۱/۴۶۲	۰/۳۸۸	۱۰۰	۰/۸۶	۱/۷۶	۴/۸۶
N29	۰/۶۷۴	۱/۵۸۷	۰/۵۹۹	۱۰۰	۰/۵۵	۲/۵۵	۴/۷۱
N210	۱/۸۴۴	۱/۹۵۳	۱/۱۷۱	۹۹/۸۳	۰/۴۹	۲/۵۱	۲/۶۶
N211	۱/۶۳۴	۱/۹۱۶	۱/۰۴۷	۱۰۰	۲/۲۶	۴/۴۷	۲/۵۷
N31	۰/۸۷۲	۱/۸۱۲	۰/۴۲۱	۸۰/۸۹	۳/۴۱	۲/۱۹	۱/۶۶
N32	۱/۴۱۸	۲/۷۰۳	۲/۱۵۱	۶۳/۹۹	۳/۶۶	۳/۲۶	۱/۱۶
N33	۱/۱۵	۲/۹۴۱	۱/۴۸۱	۷۲/۷۷	۴/۷۶	۳/۷۶	۳/۳۶
N34	۱/۰۱۸	۲/۴۳۹	۰/۸۶۳	۹۸/۱۶	۱/۲۲	۳/۵۶	۴/۶۶
N35	۲/۸۷۷	۲/۰۸۳	۲/۴۸۳	۱۰۰	۴/۶۹	۴/۴۶	۳/۲۶
N36	۰/۷۶۰	۲/۲۷۳	۰/۶۸۱	۹۹/۷۹	۴/۴۶	۴/۵۶	۳/۱۶
N37	۰/۶۳۰	۱/۸۴۵	۰/۶۵۳	۸۷/۶۶	۳/۷۱	۳/۴۶	۲/۱۷
N38	۰/۳۵۱	۲/۱۶۵	۰/۳۳۶	۹۳/۷۷	۰/۷۷	۴/۷۶	۳/۲۶
N39	۰/۵۰۳	۲/۲۷۳	۱/۶	۸۶/۲۶	۳/۴۴	۳/۵۶	۲/۴۱
N310	۰/۸۰۷	۲/۵	۰/۹۴	۸۳/۵۲	۳/۸۶	۳/۸۴	۲/۵۶
N311	۰/۱۰۸	۲/۱۲۸	۰/۱۸۹	۵/۷۴	۲/۸۶	۳/۶۶	۲/۷۹
N41	۱/۱	۱/۹۶۱	۰/۹۴۶	۱۰۰	۱/۱۸	۱/۱۸	۳/۳۹
N42	۰/۶۹۰	۱/۹۲۳	۱/۰۱۹	۶۲/۵۱	۴/۱۹	۴/۶۶	۱/۵۶
N43	۱/۲	۲/۰۸۳	۰/۹۲۹	۷۷/۲۱	۳/۲۶	۳/۷۱	۱/۷۱
N44	۰/۴۶۶	۲/۶۳۲	۰/۳۲	۴۶/۰۲	۳/۷۱	۴/۶۴	۱/۱۸
N45	۰/۱۸۹	۲/۷۰۳	۱/۶۹	۲۵/۷	۳/۴۴	۱/۹۳	۱/۲۶
N46	۰/۴۴۲	۳/۴۴۸	۰/۳۶۵	۴۸/۸۱	۳/۲۴	۳/۲۶	۱/۵۴
N47	۱/۱۲۴	۳/۰۳	۰/۹۷	۵۹/۲	۴/۴۶	۴/۷۶	۲/۳۳
N48	۰/۷۷۵	۱/۶۳۱	۰/۸۴۵	۷۸/۸۶	۳/۵۶	۳/۵۵	۲/۴۹
N49	۱/۶۶۶	۱/۷۴۲	۱/۲۱۴	۸۶/۲	۳/۷۱	۴/۴۱	۲/۷۶
N410	۱/۶۴۸	۲/۴۳۳	۱/۲۲۸	۱۰۰	۰/۶۶	۱/۱۹	۳/۵۶
N411	۰/۵۴۸	۵/۵۵۶	۰/۶۹	۱۰۰	۴/۴۶	۴/۶۵	۳/۷۶
N51	۰/۶۸۸	۱/۷۲۴	۰/۵۵۲	۶۸/۵۳	۳/۹۱	۲/۲۶	۳/۵۵
N52	۰/۱۰۴	۳/۴۴۸	۰/۶۶۸	۶/۹۳	۲/۲۶	۲/۷۱	۲/۱۸
N53	۰/۱۲۳	۲/۷۷۸	۰/۰۶۱	۷/۳	۲/۷۶	۱/۷۶	۲/۲۹

محله	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7
N54	۰/۰۱۸	۵	۰/۰۰۳	۷/۶۲	۲/۴۱	۱/۱۷	۲/۷۶
N55	۰/۰۷۵	۷/۶۹۲	۰/۱۵۹	۰	۲/۲۶	۱/۱۹	۱/۸۱
N56	۰/۰۵۷	۵/۵۲۵	۰/۰۲۱	۰	۲/۶۶	۱/۳۶	۱/۱۹
N57	۰/۶۸۹	۳/۴۴۸	۰/۶۳۸	۳۳/۶۹	۲/۲۶	۳/۷۶	۲/۶۶
N58	۰/۰۸۷	۳/۲۱۵	۰/۰۴۶	۳۰/۶۱	۲/۸۱	۲/۲۶	۲/۸۶
N59	۰/۱۱۶	۳/۳۲۲	۰/۲۶۴	۹/۰۴	۲/۴۶	۱/۱۷	۱/۴۴
N510	۰/۱۶۴	۲/۸۴۹	۰/۱۱	۹/۹۳	۲/۶۶	۱/۸۴	۱/۷۷
N511	۰/۱۱۳	۳/۵۵۹	۰/۰۳۸	۷/۳۷	۲/۱۹	۱/۳۳	۱/۵۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

برای سنجش وضعیت محله‌های شهر رشت از لحاظ کالبدی و براساس رویکرد نوشهرگرایی، شاخص فضای باز عمومی و سبز و همچنین شاخص اختلاط کاربری‌ها انتخاب شد. برای بررسی وضعیت اختلاط کاربری‌ها سه زیرشاخص شامل سازگاری کاربری اراضی، حضور کاربری‌های خدماتی و رفاهی و همچنین شاخص آنتروپی کاربری‌های محله تعیین شد. برای بررسی وضعیت فضای سبز محله‌های شهری (X8) از طریق آمار جمعیتی شهر رشت و نقشه‌های GIS، سرانه فضای سبز برای هر محله محاسبه شد. نتایج این بررسی نشان داد که محله‌های ساغریسازان، باقرآباد، چله خانه در بافت درونی شهر و محلات حاشیه‌ای شهر مانند حمیدیان، معلولین و استقامت از کمترین سرانه فضای سبز برخوردار هستند. از سوی دیگر محله‌هایی مانند منظریه، گلسار، شهرک‌های مسکونی تازه‌ساخت مانند پردیسان، از وضعیت بهتری برخوردار هستند. برای بررسی شاخص سازگاری کاربری اراضی محله (X9)، کاربری مسکونی به عنوان مبنا قرار داده شد. در واقع در بررسی سازگاری کاربری‌ها این هدف دنبال شد که کاربری‌های موجود در محله با کاربری‌های مسکونی که محل زندگی ساکنان محله است چقدر سازگاری دارند. نتایج به طور کلی نشان داد که کاربری‌های موجود در محلات واقع در منطقه پنج و منطقه یک از سازگاری بیشتری با کاربری‌های مسکونی برخوردار هستند.

جدول ۴

بررسی وضعیت محلات شهر رشت براساس شاخص‌های کالبدی نوشهرگرایی

محله	X8	X9	X10	X11	محله	X8	X9	X10	X11
N11	۲۹۴/۸۶	۰/۰۰۵	۲	۰/۴۹۵	N41	۵/۱۲	۰/۰۰۳	۵	۰/۵۳۲
N12	۲۹۹/۳۷	۰/۰۰۵	۳	۰/۳۱۲	N42	۶۶/۶۲	۰/۰۰۲	۴	۰/۴۱۵
N13	۱۰/۴۶	۰/۰۰۵	۳	۰/۴۱۲	N43	۱۸/۴	۰/۰۰۲	۳	۰/۴۵۱
N14	۲۱/۵	۰/۰۰۴	۴	۰/۴۵۷	N44	۲۳۲/۶	۰/۰۰۲	۵	۰/۴۶۹
N15	۷/۴۲	۰/۰۰۴	۵	۰/۴۲۶	N45	۵۰۰/۸۹	۰/۰۰۳	۵	۰/۳۲۴
N16	۶۱۴/۶۲	۰/۰۰۴	۲	۰/۲۴۸	N46	۷۴/۴۴	۰/۰۰۲	۳	۰/۶۴۹
N17	۱/۸۸	۰/۰۰۵	۶	۰/۵۸۳	N47	۷/۵۷	۰/۰۰۳	۴	۰/۴۶۹
N18	۱۰/۳۶	۰/۰۰۵	۴	۰/۴۳۲	N48	۱۷/۷۱	۰/۰۰۲	۵	۰/۵۳۳
N19	۱۴/۴۹	۰/۰۰۴	۶	۰/۴۵۸	N49	۵/۳۳	۰/۰۰۳	۵	۰/۳۴۴
N110	۰/۱۴	۰/۰۰۵	۶	۰/۱۴۳	N410	۸/۴۳	۰/۰۰۳	۴	۰/۴۴۷
N111	۰/۱	۰/۰۰۴	۷	۰/۳۱۲	N411	۸/۳۲	۰/۰۰۳	۴	۰/۵۷۸
N21	۰/۵	۰/۰۰۴	۶	۰/۴۰۸	N51	۷۱/۸۹	۰/۰۰۵	۴	۰/۳۹۸
N22	۰/۳۳	۰/۰۰۳	۵	۰/۲۸۰	N52	۵۰۵/۷۲	۰/۰۰۵	۲	۰/۱۷۶
N23	۰/۰۱	۰/۰۰۳	۶	۰/۲۳۲	N53	۱۶۷۶/۵۶	۰/۰۰۴	۴	۰/۵۷۷
N24	۶/۶۳	۰/۰۰۳	۵	۰/۴۷۷	N54	۰	۰/۰۰۳	۳	۰/۵۸۷
N25	۱/۹۹	۰/۰۰۳	۳	۰/۳۳۳	N55	۳۹۴/۱۱	۰/۰۰۳	۳	۰/۶۸۱
N26	۱/۷	۰/۰۰۳	۷	۰/۲۸۶	N56	۰	۰/۰۰۳	۲	۰/۵۴۰
N27	۰/۳۲	۰/۰۰۳	۷	۰/۲۵۵	N57	۲۲۹/۷	۰/۰۰۵	۳	۰/۴۶۲

محل	X8	X9	X10	X11	محل	X8	X9	X10	X11
N28	۱۵۷/۰۹	۰/۰۰۳	۵	۰/۷۳۲	N58	۲۴۸/۰۲	۰/۰۰۵	۲	۰/۴۶۸
N29	۰/۵۱	۰/۰۰۳	۴	۰/۶۰۲	N59	۲۰۰۹/۰۷	۰/۰۰۳	۰	۰/۲۰۸
N210	۱/۹۲	۰/۰۰۴	۵	۰/۵۰۲	N510	.	۰/۰۰۳	۴	۰/۳۹۲
N211	۲/۲۷	۰/۰۰۳	۴	۰/۴۲۶	N511	۲۲۹۱/۰۸	۰/۰۰۲	۲	۰/۴۱۷
N31	۵۹/۲	۰/۰۰۳	۴	۰/۷۴۵	N37	۲۳/۴۷	۰/۰۰۳	۴	۰/۴۷۵
N32	۲۹/۶۶	۰/۰۰۳	۱	۰/۷۸۰	N38	۵/۶۵	۰/۰۰۳	۵	۰/۶۵۳
N33	۳/۴۷	۰/۰۰۳	۴	۰/۳۶۹	N39	۹۶/۴۵	۰/۰۰۳	۵	۰/۵۲۲
N34	۸/۴۶	۰/۰۰۳	۷	۰/۴۲۶	N310	۳/۵۸	۰/۰۰۳	۴	۰/۵۷۱
N35	۹/۹۹	۰/۰۰۳	۴	۰/۳۴۰	N311	۱۳۹۱/۶۵	۰/۰۰۳	۰	۰/۵۱۹
N36	۵/۵۳	۰/۰۰۲	۶	۰/۵۵۸					

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

اولین شاخص در خصوص مسکن و بافت شهری، در سطح محله‌های شهری، تنوع مسکن (X12) است. این شاخص با انواع مسکن که در خدمت گروه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی است، ارتباط دارد. کوی آزادگان از منطقه یک با ضریب ۰/۶۲۵ بیشترین تنوع مسکن را دارد. در منطقه شماره دو، محله ضیابری با ضریب ۰/۶۶۴ بیشترین تنوع مسکن را داشت. در منطقه شماره سه، محله های کسب و پیرکلاچای با ضریب یکسان ۰/۶۲۶ بیشترین تنوع مسکن را داشتند. محله حمیدیان از منطقه چهار با ضریب ۰/۶۲۷ بیشترین تنوع مسکن را داشت. نهایتاً در منطقه پنج، کوی بیانی نیز با ضریب ۰/۶۲۷ بیشترین تنوع مسکن را داشت. دومین شاخص در موضوع مسکن و بافت شهری، افزایش تراکم در بافت شهر (X13) بود. در پژوهش حاضر و در قالب پرسشنامه از کارشناسان خواسته شد تا امتیاز کیفی محله‌های شهر رشت تعیین نمایند. نتایج مطالعات نشان داد که نواحی تازه توسعه‌یافته شهر از افزایش تراکم و فضاهای باز و عمومی بیشتری برخوردار هستند. این در حالی است که نواحی درونی از فشردگی بیشتر و فضاهای باز و عمومی کمتری برخوردار هستند. سومین شاخص، حفظ و تقویت ساختار سنتی (X14) بود. این شاخص با توجه به وجود مراکز محله‌ای بررسی شد. به تعبیر نوشهرگرایان محله دارای یک مرکز قابل تشخیص است که اغلب یک مربع یا گوشه خیابان سبز و گاهی اوقات شلوغ و به یادماندنی است. مراکز محله‌ای باعث پویایی محلات و سرزندگی ساکنان آن شده و باعث ایجاد هویت محله‌ای می‌شود. این مراکز در جنبش نوشهرگرایی دارای ویژگی‌ها و حدود و لبه مشخص هستند که انواع کاربری‌های اطراف آن باعث افزایش جذابیت آن و جذب ساکنان محله در آن می‌شود. با در نظر گرفتن این شرایط، از کارشناسان و در قالب تکنیک پرسشنامه از کارشناسان خواسته شد تا امتیاز کیفی هر محله را مشخص نمایند. نتایج مطالعات نشان داد که از لحاظ شاخص حفظ و تقویت ساختار سنتی و در واقع وجود مراکز محله‌ای مشخص، نواحی مرکز شهر رشت به دلیل تاریخی بودن، از بالاترین انطباق با استاندارد مذکور برخوردارند.

جدول ۵

بررسی وضعیت محلات شهر رشت براساس شاخص‌های مسکن و بافت شهری نوشهرگرایی

محل	X12	X13	X14	X15	محل	X12	X13	X14	X15
N11	۰/۶۱	۲/۳۶	۰/۸۱	۰/۷۴	N41	۰/۶۰۷	۳/۳۳	۳/۳۲	۱/۱۸
N12	۰/۶۰۱	۳/۷۱	۰/۷۷	۰/۷۶	N42	۰/۶۲۶	۳/۲۶	۲/۱۸	۱/۵۱
N13	۰/۵۶۸	۴/۵۵	۰/۶۹	۰/۸۴	N43	۰/۶۲۸	۲/۷۱	۲/۷۶	۰/۷۷
N14	۰/۵۴۸	۴/۷۳	۰/۷۵	۰/۵۹	N44	۰/۵۸۱	۲/۵۵	۰/۸۷	۰/۴۹
N15	۰/۵۵۸	۳/۴۱	۰/۷	۰/۹۶	N45	۰/۶۰۲	۱/۹۱	۰/۶۹	۰/۴۱
N16	۰/۵۱۱	۳/۵۶	۰/۵۹	۰/۶۱	N46	۰/۵۵۲	۲/۷۱	۲/۳۳	۰/۶۲
N17	۰/۵۷۷	۴/۶۲	۰/۴۹	۲/۲۷	N47	۰/۶۲۴	۳/۵۹	۲/۳۵	۱/۵۹
N18	۰/۶۲۵	۴/۴۹	۰/۸۳	۲/۶۹	N48	۰/۶۲۷	۳/۴۸	۱/۷۱	۱/۵۵
N19	۰/۶	۴/۲۷	۰/۷۴	۱/۷۴	N49	۰/۶۲	۳/۶۶	۳/۵۶	۱/۴۶
N110	۰/۵۶	۱/۶۱	۴/۴۱	۲/۵۵	N410	۰/۵۸۱	۴/۷۵	۴/۷۴	۱/۱۱

محل	X12	X13	X14	X15	محل	X12	X13	X14	X15
N111	۰/۵۷۷	۱/۷۲	۴/۱۳	۳/۹۱	N411	۰/۵۷۴	۴/۴۶	۳/۶۸	۰/۶۴
N21	۰/۶۰۶	۲/۴۸	۴/۴۷	۳/۸۶	N51	۰/۶۲۷	۳/۵۷	۱/۵۲	۰/۹۵
N22	۰/۶۲۴	۱/۳۶	۴/۶۵	۴/۹۱	N52	۰/۵۵۶	۰/۷۶	۰/۶۸	۰/۹۲
N23	۰/۵۹۲	۱/۹۷	۴/۳۶	۴/۵۹	N53	۰/۵۴۳	۰/۸۱	۰/۶۲	۰/۴۹
N24	۰/۵۹۲	۱/۵۶	۴/۱۶	۴/۳۶	N54	۰/۵۳۸	۰/۹۶	۰/۵۱	۰/۴۴
N25	۰/۶۶۴	۱/۸۹	۳/۵۶	۲/۳۳	N55	۰/۵۴۴	۰/۷۴	۰/۳۹	۰/۳۹
N26	۰/۵۸۱	۱/۷۹	۴/۶۹	۳/۴۱	N56	۰/۵۱	۰/۵۷	۰/۶۴	۰/۷۶
N27	۰/۵۶۴	۱/۸۳	۴/۷۴	۴/۹۶	N57	۰/۶۲۶	۰/۷۷	۰/۵۶	۰/۵۹
N28	۰/۵۸۸	۱/۲۶	۴/۶۱	۳/۷۶	N58	۰/۶۰۴	۰/۹۱	۰/۷۴	۰/۴۱
N29	۰/۵۶۹	۱/۹۷	۴/۳۸	۳/۵۹	N59	۰/۶۱۵	۰/۸۴	۰/۳۷	۰/۶۲
N210	۰/۶۲۹	۱/۵۱	۴/۲۲	۴/۴۸	N510	۰/۵۳۲	۰/۶۹	۰/۵۵	۰/۶۳
N211	۰/۵۹۳	۴/۴۷	۳/۴۱	۳/۳۷	N511	۰/۵۲۴	۰/۷۶	۰/۴۹	۰/۴۸
N31	۰/۶۰۹	۳/۵۶	۰/۶۶	۰/۷۶	N37	۰/۵۸۶	۲/۶۲	۱/۲۶	۰/۷۷
N32	۰/۶۲۱	۳/۷۷	۱/۱۷	۰/۸۱	N38	۰/۶	۱/۱۸	۴/۱۸	۳/۶۶
N33	۰/۶۲۳	۴/۴۱	۱/۲۹	۲/۳۶	N39	۰/۶۲۶	۳/۹۱	۱/۲۶	۰/۵۵
N34	۰/۶۲۵	۲/۶۶	۴/۵۵	۳/۶۵	N310	۰/۶۲۶	۳/۸۴	۱/۳۴	۰/۵۹
N35	۰/۶۱۹	۳/۷۷	۱/۱۶	۲/۴۱	N311	۰/۵۸۷	۳/۶۹	۱/۶۸	۰/۴۸
N36	۰/۶۰۸	۳/۵۸	۳/۳۷	۲/۴۹					

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

یافته‌های گام دوم پژوهش، به تعیین وزن نسبی هر یک از معیارها و شاخص‌های نوشهرگرایی اختصاص دارد. برای رسیدن به این هدف از مدل AHP استفاده شد. لازم به ذکر است، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی در این پژوهش، در سه سطح انجام شد. براساس نتایج بدست آمده، زیرشاخص مسکن متنوع با نمره نسبی، ۰/۱۹۳ نسبت به سایر زیرشاخص اهمیت بیشتری داشت. در رتبه دوم و سوم به ترتیب زیرشاخص‌های حفظ و تقویت ساختار سنتی و نورپردازی و امنیت با وزن نسبی ۰/۱۳۶ و ۰/۰۹۹۷ قرار داشتند. کمترین وزن نسبی نیز به زیرشاخص تراکم بن بست‌ها با وزن نسبی ۰/۰۰۹۶ اختصاص داشت. جدول شماره ۶، نتایج را به تفصیل نشان می‌دهد.

جدول ۶

وزن نسبی معیارها و شاخص‌های پژوهش

وزن نهایی	وزن	زیر معیار (وزن)	وزن	زیر معیار	وزن	معیار
۰/۱۹۳	-	-	۰/۳۹۱	مسکن متنوع		
۰/۰۶۸	-	-	۰/۱۳۸	افزایش تراکم در بافت	۰/۴۹۳	مسکن و بافت شهری
۰/۱۳۶	-	-	۰/۲۷۶	حفظ و تقویت ساختار سنتی		
۰/۰۹۶۱	-	-	۰/۱۹۵	بناهای تاریخی و با هویت		
۰/۰۷۷	-	-	۰/۲۴۹	تأکید بر حمل و نقل عمومی و متنوع		
۰/۰۳۰۱	۰/۱۶۳	شعاع عملکردی مفید مرکز محله				
۰/۰۵۵	۰/۲۹۷	کیفیت پیاده‌روها	۰/۵۹۴	قابلیت پیاده‌روی		
۰/۰۹۹۷	۰/۵۴	نورپردازی و امنیت عابران پیاده			۰/۳۱۱	ترافیک و حمل و نقل
۰/۰۱۵۲	۰/۳۱۱	تراکم تقاطع‌ها در واحد سطح				
۰/۰۰۹۶	۰/۱۹۶	نسبت بن بیت‌ها به معابر	۰/۱۵۷	شبکه ترافیکی پیوسته		
۰/۰۲۴۰	۰/۴۹۳	سنجش فرم کالبدی معابر				
۰/۰۶۶	-	-	۰/۳۳۷	حفظ و تقویت فضاهای سبز		
۰/۰۴۰۶	۰/۳۱۱	سازگاری کاربری اراضی			۰/۱۹۶	کالبدی
۰/۰۶۴۴	۰/۴۹۳	حضور کاربری‌های خدماتی	۰/۶۶۷	اختلاط کاربری‌ها		
۰/۰۲۵۶	۰/۱۹۶	آنتروپی کاربری اراضی				

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در ادامه پژوهش، پس از گردآوری اطلاعات به تفکیک محله‌های شهر رشت و همچنین براساس وزن نسبی شاخص‌ها، با بهره‌گیری از مدل تاپسیس، به رتبه‌بندی و تحلیل میزان انطباق هر محله با اصول نوشهرگرایی اقدام شد. نتایج این بخش از پژوهش و امتیاز مربوط به هر کدام از محله‌های شهر رشت در جدول شماره ۶ ارائه شده است. براساس نمرات میانگین بدست آمده برای مناطق پنج گانه شهر رشت، می‌توان گفت منطقه شماره ۲ که در واقع بافت تاریخی و محله‌های درونی شهر رشت را شامل می‌شوند با نمره میانگین ۰/۴۶۶ نسبت به سایر مناطق از انطباق بیشتری با اصول نوشهرگرایی برخوردار هستند. منطقه سه شهرداری رشت با نمره میانگین ۰/۳۴۵ در رتبه دوم قرار گرفت. منطقه شماره ۳، نواحی و محلات شرقی شهر رشت است. نهایتاً مناطق چهار، یک و پنج به ترتیب در رتبه‌های سوم تا پنجم قرار گرفتند. نمره میانگین نهایی برای شهر رشت نیز برابر با ۰/۳۴۲ برآورد شد. از آنجا که امتیازات مدل تاپسیس بین صفر تا ۱ است، می‌توان گفت به طور کلی محلات شهر رشت از انطباق بسیار پایینی با اصول نوشهرگرایی دارند.

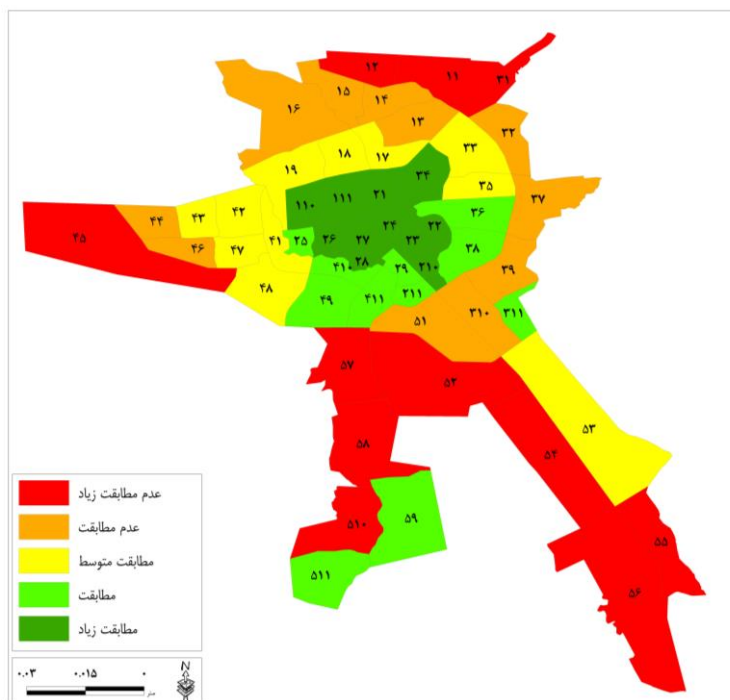
جدول ۷

امتیاز تاپسیس به تفکیک محله‌های شهر رشت براساس انطباق با اصول نوشهرگرایی

امتیاز تاپسیس (منطقه ۱)	امتیاز تاپسیس (منطقه ۲)	امتیاز تاپسیس (منطقه ۳)	امتیاز تاپسیس (منطقه ۴)	امتیاز تاپسیس (منطقه ۵)	امتیاز تاپسیس (منطقه ۶)	امتیاز تاپسیس (منطقه ۷)	امتیاز تاپسیس (منطقه ۸)	امتیاز تاپسیس (منطقه ۹)
N11	N21	N31	N41	N51	N61	N71	N81	N91
۰/۲۳۵	۰/۴۷۳	۰/۲۲۸	۰/۳۴۶	۰/۲۸۵	۰/۲۴۱	۰/۲۵۳	۰/۳۳۸	۰/۲۰۶
N12	N22	N32	N42	N52	N62	N72	N82	N92
۰/۲۴۱	۰/۴۸۶	۰/۳۴۷	۰/۳۱۳	۰/۳۸۷	۰/۲۶۸	۰/۴۸۷	۰/۲۷۵	۰/۱۴۸
N13	N23	N33	N43	N53	N63	N73	N83	N93
۰/۲۶۸	۰/۴۸۱	۰/۳۵۸	۰/۲۲۹	۰/۱۶۰	۰/۲۹۶	۰/۳۹۲	۰/۲۲۹	۰/۱۶۰
N14	N24	N34	N44	N54	N64	N74	N84	N94
۰/۲۹۶	۰/۳۹۲	۰/۴۳۱	۰/۲۷۳	۰/۱۱۵	۰/۲۴۹	۰/۴۷۱	۰/۲۷۳	۰/۱۱۵
N15	N25	N35	N45	N55	N65	N75	N85	N95
۰/۲۴۹	۰/۴۷۱	۰/۲۵۳	۰/۳۵۶	۰/۲۲۵	۰/۳۴۱	۰/۵۲۲	۰/۳۵۶	۰/۲۲۵
N16	N26	N36	N46	N56	N66	N76	N86	N96
۰/۳۴۱	۰/۵۲۲	۰/۴۵۵	۰/۳۱۱	۰/۱۸۸	۰/۳۵۰	۰/۴۷۰	۰/۳۱۱	۰/۱۸۸
N17	N27	N37	N47	N57	N67	N77	N87	N97
۰/۳۵۰	۰/۴۷۰	۰/۲۸۶	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	۰/۳۳۶	۰/۴۴۹	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴
N18	N28	N38	N48	N58	N68	N78	N88	N98
۰/۳۳۶	۰/۴۴۹	۰/۲۸۷	۰/۴۱۴	۰/۱۴۹	۰/۳۳۶	۰/۴۵۹	۰/۴۱۴	۰/۱۴۹
N19	N29	N39	N49	N59	N69	N79	N89	N99
۰/۳۳۶	۰/۴۴۹	۰/۴۰۷	۰/۴۰۸	۰/۴۳۸	۰/۴۶۰	۰/۴۵۹	۰/۴۰۸	۰/۴۳۸
N110	N210	N310	N410	N510	N610	N710	N810	N910
۰/۴۶۰	۰/۴۵۹	۰/۳۴۵	۰/۳۳۳	۰/۲۴۶	۰/۴۵۷	۰/۴۳۸	۰/۳۳۳	۰/۲۴۶
N111	N211	N311	N411	N511	میانگین منطقه	میانگین منطقه	میانگین منطقه	میانگین منطقه
۰/۴۵۷	۰/۴۳۸	۰/۳۴۵	۰/۳۳۳	۰/۲۴۶	۰/۳۲۱	میانگین منطقه	۰/۴۶۶	میانگین منطقه

میانگین شهر رشت: ۰/۳۴۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹



شکل ۳. نقشه میزان انطباق محلات شهر رشت با اصول نوشهرگرایی براساس مدل تاپسیس
 مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

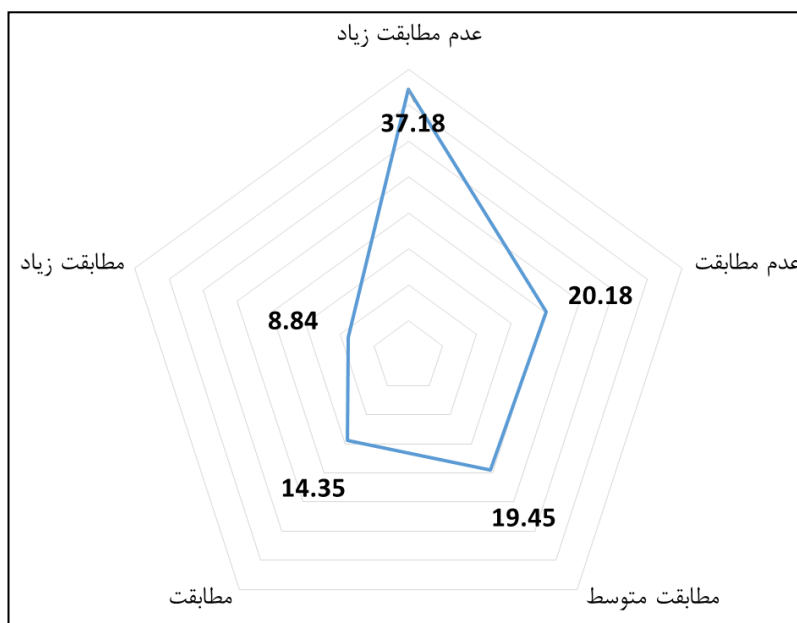
نتایج بررسی‌ها در سطح کلانشهر رشت نشان داد که، ۱۱ محله با مساحت نسبی ۳۷/۱۸ درصد (۶۶۹۲/۴ هکتار) عدم مطابقت زیاد با اصول نوشهرگرایی دارند. همچنین ۱۱ محله با مساحت نسبی ۲۰/۱۸ درصد (۳۶۳۲/۴ هکتار) با اصول نوشهرگرایی عدم مطابقت دارند. طبقه مطابقت متوسط ۱۱ محله را با مساحت نسبی ۱۹/۴۵ درصد (۳۵۰۱ هکتار) به خود اختصاص داد. نهایتاً ۱۱ محله با مساحت نسبی ۱۴/۳۵ درصد (۲۸۵۳ هکتار) و ۱۱ محله دیگر با مساحت نسبی ۸/۸۴ درصد (۱۵۹۱/۲ هکتار)، به ترتیب در طبقات مطابقت و مطابقت زیاد قرار گرفتند. جدول شماره و شکل شماره ۴، نتایج را به تفصیل نشان می‌دهد.

جدول ۸

تعداد و مساحت نسبی محلات شهر رشت براساس انطباق با اصول نوشهرگرایی براساس مدل تاپسیس

وضعیت محلات	تعداد	تعداد نسبی (درصد)	مساحت (هکتار)	مساحت نسبی (درصد)
عدم مطابقت زیاد	۱۱	۲۰	۶۶۹۲/۴	۳۷/۱۸
عدم مطابقت	۱۱	۲۰	۳۶۳۲/۴	۲۰/۱۸
مطابقت متوسط	۱۱	۲۰	۳۵۰۱	۱۹/۴۵
مطابقت	۱۱	۲۰	۲۸۵۳	۱۴/۳۵
مطابقت زیاد	۱۱	۲۰	۱۵۹۱/۲	۸/۸۴
جمع	۵۵	۱۰۰	۱۸۰۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹



شکل ۴. نمودار راداری میزان انطباق مساحت محلات شهر رشت با اصول نوشهرگرایی
 مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

نتیجه گیری

در دهه ۱۹۸۰ میلادی تعداد زیادی از معماران و شهرسازان آمریکایی از فرسودگی و زوال مراکز شهری و افزایش فزاینده جوامع محلی که پراکنده و متفرق، وابسته به اتومبیل و دارای فاصله با مراکز شهری بودند، اظهار نارضایتی کردند. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰ این نارضایتی منجر به ظهور جنبش نوشهرگرایی شد. نوشهرگرایی (که به طراحی محلات سنتی و طراحی محلات نئوسنتی مشهور است) اصول برنامه‌ریزی است که محلات قابل زیست و قابل پیاده‌روی در یک محیط مساعد پیاده‌روی را به وجود می‌آورد. نوشهرگرایی واکنشی نسبت به پراکندگی شهری است و یک راه مؤثر برای مقابله با جوامع وابسته به اتومبیل است که در آن هر سفری با ماشین انجام می‌شود. نوشهرسازی، معروف به طراحی محلات سنتی و طراحی محلات نئو سنتی، اصول برنامه‌ریزی است که محلات قابل زیست و قابل پیاده‌روی در یک محیط مساعد پیاده‌روی را به وجود می‌آورد. در واقع، نوشهرسازی واکنشی نسبت به پراکندگی شهری است و یک راه مؤثر برای مقابله با جوامع خودرو محور است. پیروان این جنبش، آن را به مثابه یک بسته طراحی شهری می‌دانند و بر این باورند که می‌باید با بهره‌گیری از اصول طراحی محلات سنتی، فضاهای شهری جدیدی را به صورتی کارا، پایدار و انسان‌گرا طراحی نمود.

بر اساس نتایج بدست آمده و در انطباق با نوشهرگرایی محله‌ها باید متراکم، پیاده‌گرا و دارای کاربری مختلط باشند. زیر محله‌ها عموماً باید روی یک کاربری خاص تاکید داشته باشند و باید در صورت امکان اصول طراحی محله را در آنها در نظر داشت. بیشتر فعالیت‌های روزانه با توجه بیشتر به افرادی که رانندگی نمی‌کنند مخصوصاً افراد مسن و جوان باید در مسافت پیاده انجام شوند. شبکه بهم پیوسته خیابان‌ها باید طوری طراحی شوند که ساکنین به پیاده‌روی تشویق شوند و از تعداد و مسافت سفرها کم شود و در مصرف انرژی صرفه‌جویی شود. در قالب یک محله، گستره وسیع انواع خانه‌ها و قیمت متفاوت آنها می‌تواند باعث فعال شدن مردم دارای سن، نژاد و سطح درآمدی مختلف شود. باید با ایجاد تراکم ساختمانی و کاربری زمین مناسب در مسافت پیاده اطراف ایستگاه‌های وسایط حمل و نقل عمومی سعی در جایگزین کردن حمل نقل عمومی به جای استفاده از اتومبیل شود. فعالیت‌های شهری، اجتماعی و تجاری باید به جای قرار گرفتن در مجتمع‌های تک کاربری در دوردست باید به صورتی طراحی شوند که کودکان بتوانند پیاده و یا با دوچرخه خود را به آنها برسانند. در لبه محله فروشگاه‌ها و اداره‌ها با تنوع لازم برای تامین مایحتاج زندگی گنجانده

شود. همچنین اقدامات اختصاصی برای هر یک از مناطق با توجه به مسائل و کمبودهایی که دارند، به شرح زیر ارائه می‌شود.

در این پژوهش میزان انطباق ۵۵ محله در شهر رشت با شاخص‌های نوشهرگرایی بررسی شد. نتایج نشان داد که محلات در شهر مورد مطالعه انطباق بسیار پایینی با اصول نوشهرگرایی دارند. پیشنهادات و راهکارهای کاربردی برای مناطق پنج گانه کلانشهر رشت نیز به شرح زیر ارائه می‌شود:

منطقه یک: افزایش تراکم ساختمانی بهینه در ساخت و سازهای نوین، برنامه‌ریزی و طراحی برای ساخت مراکز محله و مراکز واحد همسایگی در محلات منطقه، ایجاد بازارهای محلی به دلیل دوری محلات منطقه از بازارهای مرکزی شهر، بهبود کیفیت پیاده‌روها و افزایش ایمنی و امنیت عابران پیاده؛

منطقه دو: حفظ و تقویت ساختار سنتی، جلوگیری از افزایش تراکم ساختمانی در محدوده ساختمان‌های با ارزش و تاریخی، درختکاری در حاشیه پیاده‌راه‌ها، برنامه‌ریزی و طراحی کاربری‌های جاذب جمعیت در طول پیاده‌راه‌ها، افزایش اختلاط کاربری‌های در سطح محله‌های بافت تاریخی، آرام‌سازی ترافیک در محدوده مرکزی شهر به خصوص در خیابان‌های اطراف پیاده‌راه شهرداری رشت؛

منطقه سه: افزایش تراکم ساختمانی بهینه در ساخت و سازهای نوین، تقویت حمل و نقل عمومی، بهبود کیفیت پیاده‌روها و افزایش ایمنی و امنیت عابران پیاده، حفظ و تقویت فضاهای باز عمومی و سبز، توجه به بافت‌های واجد ارزش تاریخی در بخش‌هایی از منطقه؛

منطقه چهار: افزایش تراکم ساختمانی بهینه در ساخت و سازهای نوین، تقویت حمل و نقل عمومی، بهبود کیفیت پیاده‌روها و افزایش ایمنی و امنیت عابران پیاده؛

منطقه پنج: افزایش تراکم ساختمانی بهینه در ساخت و سازهای نوین، ایجاد تنوع در اندازه مساحت قطعات، ایجاد تنوع در نوع مسکن، ایجاد تنوع در قیمت مسکن، تقویت حمل و نقل عمومی، بهبود کیفیت پیاده‌روها و افزایش ایمنی و امنیت عابران پیاده پیشنهاد های کاربردی با رویکرد مهندسی جغرافیایی فضا .

سپاسگزاری

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان **مطالعه تطبیقی مبتنی بر اصول نوشهر گرایی در محله‌های شهری (مطالعه موردی: کلانشهر رشت)** می‌باشد که در گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل به راهنمایی دکتر محمد تقی معصومی و مشاوره دکتر حسین نظم‌فر انجام گرفته است.

منابع

باغبان، اسماعیل و کرکه‌آبادی، زینب (۱۳۹۸)، نوشهرگرایی و راهکارهای بهبود ظرفیت‌های عملکردی و سکونتی بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی بافت فرسوده شهر سمنان)، *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی سمنان*، سال ۹، شماره ۳۱، ص ۲۷-۴۸.

بصیرت، میثم (۱۳۸۶)، نوشهرسازی چه می‌گوید؟ درآمدی بر اصول و مبانی نظری نوشهرسازی، *فصلنامه آبادی*، سال ۱۷، شماره ۲۲ (پیاپی ۵۷)، ص ۱۱۰-۱۱۵.

پورمحمدی، محمدرضا، قاسمی، معصومه و سالکی ملکی، محمدعلی (۱۳۹۳)، مطالعه و ارزیابی بافت‌های مختلف شهری با رویکرد منشور نوشهر گرایی (نمونه موردی: شهر تبریز)، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال ۶، شماره ۲۱، ص ۲۱-۴۲.

حاجی پور، خلیل، حسین پور، محمد و کتابچی، عماد (۱۳۹۱)، شهرسازی نوین راهی به سوی ایجاد محلات پایدار، *ماهنامه منظر*، شماره ۱۸، ص ۸۰-۸۷.

- حسین زاده دلیر، کریم و آذر، علی (۱۳۸۷)، ساماندهی و بهسازی محلات سنتی با استفاده از رویکرد شهرسازی جدید (نمونه موردی محله سرخاب تبریز)، *جغرافیا و توسعه ناحیه ای*، سال ۷، شماره ۱۱، ص ۱۱۷-۱۴۶.
- درودی، محمدرضا، جهانشاهلو، لعل و شهریار، سیدکمال‌الدین (۱۳۹۳)، سنجش میزان رضایت مندی ساکنین مسکن مهر با رویکرد مدیریت شهری (مطالعه موردی: مجتمع بوستان شهر جدید هشتگرد)، *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، سال ۳، شماره ۹، ص ۱۴۱-۱۲۵.
- رفیعیان، مجتبی، امین صالحی، فرزین و تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۹). سنجش کیفیت محیط سکونت در شهرک اکباتان تهران، *برنامه ریزی و آمایش فضا*، سال ۱۴، شماره ۴، ص ۸۵-۶۳.
- رهنما، محمد رحیم، روشنی، پریسا و افشاری، مهنوش (۱۳۹۲)، ارتقاء کیفی محلات مدرن شهری با به کارگیری رهیافت نوشهرگرایی (نمونه موردی: آزاد شهر مشهد)، *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، سال ۲، شماره ۳، ص ۲۷-۴۵.
- شیعه، اسماعیل، سعیده زرآبادی، زهره السادات و یزدان پناهی، ملیسا (۱۳۹۲)، بررسی و تبیین مفهوم محله سالم در محلات سنتی ایران؛ مطالعه موردی: محله امام زاده یحیی تهران، *مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای*، سال ۵، شماره ۱۷، ص ۱-۲۰.
- شکری فیروزجاه، پری (۱۳۹۳)، بررسی مؤلفه های تأثیرگذار بر میزان رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط مسکونی (نمونه موردی: مناطق ۱ و ۸ شهر تبریز)، *فصلنامه فضای جغرافیایی*، سال ۱۴، شماره ۴۷، ص ۸۲-۶۷.
- طبی‌مسرور، ابوالقاسم و رضایی موید، صادق (۱۳۹۴)، ارزیابی میزان رضایت شهروندی از کیفیت های سکونتی در مجتمع های مسکونی (مورد پژوهی: مجتمع های مسکونی شهر همدان)، *مدیریت شهری*، شماره ۴۰، ص ۸۰-۶۱.
- قربی، میترا و محمدی، حمید (۱۳۹۶)، کاربست نظریه نوشهرگرایی در شهرسازی: موافقان و مخالفان، *دانش شهرسازی*، سال ۱، شماره ۱، ص ۱۰۱-۱۱۷.
- محمدی، محمود، بیدرام، رسول و ایزدی، آروز (۱۳۹۴). سنجش محیط های مسکونی مطلوب شهر اصفهان از دید مدیران ارشد شهرسازی، *فضای جغرافیایی*، سال ۱۵، شماره ۵۰، ص ۱۶۴-۱۴۱.
- معصومی، سلمان (۱۳۸۸)، احیای محلات شهری پاسخی به نیازهای اجتماعی شهر تهران، *مجله منظر*، نهاد توسعه نهران، ویژه نامه شماره ۵، ص ۴۳-۲.
- محمدی دوست، سلیمان، خانی زاده، محمد علی و زیلابی، شهباز (۱۳۹۵)، امکان سنجی بکارگیری اصول نوشهرگرایی در بازآفرینی پایدار محلات ناکارآمد و مسأله دار شهری با تأکید بر رشد هوشمند (مورد پژوهی: بخش مرکزی شهر اهواز)، *فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای*، سال ۶، شماره ۲۴، ص ۲۱۵-۲۳۰.
- معصومی، محمدتقی (۱۳۹۰)، آنالیز زمانی - مکانی گسترش فیزیکی و رشد اسپرال شهری با استفاده از داده های چندزمانه سنجش از دور و مدل های آماری (مطالعه موردی: شهر اردبیل)، *دانشنامه جغرافیا*، شماره ۸۲، ص ۸۹-۱۰۶.
- Azadeh, R. , Mohammadi, J. , & Doost, H. T. N. (2019). THE RELATIONSHIP BETWEEN URBAN ENVIRONMENTAL QUALITY AND MENTAL HEALTH (DEPRESSION SCALE): EVIDENCE FROM IRAN. *Journal of Urban and Environmental Engineering*, 13(2): 285-293.
- Cysek-Pawlak, M. M. , & Krzysztofik, S. (2018). The New Urbanism Principle of Quality Architecture and Urban Design versus Place Identity. A Case Study of Val D'Europe and the Manufaktura Complex. *European Spatial Research and Policy*, 25(2): 99-115.
- Cohen, B. (2003). Urban Growth in Developing Countries: A Review of Current Trends and a Caution Regarding Existing Forecasts. *World Development*, 32(1): 23-51.
- Cohen, B. (2006). Urbanization in developing countries: Current trends, future projections, and key challenges for sustainability. *Technology in Society*, 28: 63-80.
- Deitrick, S. , & Ellis, C. (2004). New urbanism in the inner city: a case study of Pittsburgh. *Journal of the American Planning Association*, 70(4): 426-442.
- Elshater, A. (2012). New Urbanism Principles versus Urban Design Dimensions towards Behavior Performance Efficiency in Egyptian Neighbourhood Unit. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 68:826-843.
- Elshater, A. (2018). Towards a refined new concept of new urbanism in Egypt. *Asian Journal of Environment-Behaviour Studies*, 3(8): 205-220.
- Falconer, R. , Newman, P. , & Giles-Corti, B. (2010). Is practice aligned with the principles? Implementing new urbanism in Perth, Western Australia. *Transport Policy*, 17(5): 287-294.
- Hikichi, L. (2003). New urbanism and transportation. *University of Wisconsin-Milwaukee*, 1-28.

- Hipp, J. R. (2009). Specifying the Determinants of Neighborhood Satisfaction: A Robust Assessment in 24 Metropolitan Areas. *Social Forces*, 88 (1): 395–424.
- Kim, J. , & Larsen, K. (2017). Can new urbanism infill development contribute to social sustainability? The case of Orlando, Florida. *Urban Studies*, 54(16): 3843-3862.
- Lucka, D. (2018). How to build a community. New Urbanism and its critics. *Urban Development Issues*, 59(1): 17-26.
- Park, Y. , Huang, S. K. , & Newman, G. D. (2016). A statistical meta-analysis of the design components of new urbanism on housing prices. *Journal of Planning Literature*, 31(4): 435-451.
- Talen, E. (2002). The social goals of new urbanism. *Housing policy debate*, 13(1): 165-188.
- Xu, J. L. (2017). Is New Urbanism changing the suburban development pattern? A case study of the Toronto region. *Journal of Urban Design*, 22(6): 812-832.

How to Cite:

Rahimi, B, Masoumi, M & Nazmfar, H. (2022). Analysis of urban neighborhoods according to the neo-urbanism principle using the TOPSIS (Case study: Rasht metropolis). *Geographical Engineering of Territory*, 6(3), 599-616.

ارجاع به این مقاله:

رحیمی، بهنام، معصومی، محمدتقی و نظم‌فر، حسین. (۱۴۰۱). واکاوی مبتنی بر اصول نوشهرسازی در محلات شهری با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی براساس تشابه به حل ایده‌آل (مطالعه موردی: کلانشهر رشت). *مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۶(۳)، ۵۹۹-۶۱۶.